

همدلی



محمد تقی صرفی پور



انما المومنون اخوه

یکی از توصیه های مهم اسلام این است که به
علاقه و محبت و همبستگی بین انسانها اهمیت
زیادی داده و سعی نموده بین آنان رابطه عاطفی
قوی برقرار کند و زندگی و برخورد آنها توأم با
مهر و عطوفت متقابل باشد. شاید یکی از
حکمتهای مهمی که همه انسانها از یک پدر و مادر
متولد شده اند همین باشد که انسانها نسبت به
همدیگر احساس یگانگی و خویشاوندی و برادری
نمایند. وقتی در دستورها و قوانین اسلام دقت
کنیم می بینیم آنچه وجودش سبب ازدیاد محبت و
علاقه بین اقشار گوناگون مردم بوده و هست،
اسلام آن را به صورت واجب یا مستحب سفارش

کرده و در مورد آن تأکید نموده است، مانند:

برخورد خوب با انسانها، نیکی به پدر و مادر،
نیکی به فرزندان، برآوردن نیازهای مردم و یاری
آنها، معاشرت خوب با همسایگان و ضعیفان و بی
سرپرستان و یتیمان... و آنچه را که موجب جدایی
و از بین رفتن علاقه و ایجاد کینه و بدبینی
می‌شود، نهی کرده و مردم را از نزدیک شدن به
آنها بشدت برحذر داشته است؛ مانند تهمت،
غیبت، دروغگویی، سخن چینی، نفاق و...

نقش محبت و علاقه انسانها به همدیگر چیزی
نیست که قابل انکار باشد، حتی بعضی دانشمندان
معتقدند تنها راه اصلاح جامعه و سعادت بشر،
ایجاد محبت و علاقه شدید بین انسانهاست در
حدی که سبب شود کسی به دیگری ستم روا
ندارد.

همدلی آن قدر مهم است که قرآن کریم آن را
به عنوان یک نعمت بسیار بزرگ بر پیغمبر
اکرم(ص) بیان می کند، بویژه در میان مردم
عربستان که از همه مردم روی زمین متفرق تر و
متشتت تر بودند و اختلافها در میانشان بیشتر و
شدیدتر بود، هم کمی و هم کیفی. کمی از آن
جهت که هر دو قبیله ای با هم جنگ داشتند در
داخل خودشان نیز اختلاف داشتند و کیفی از آن
جهت که کینه های اینها در حد اینکه پشت سر
یکدیگر حرف بزنند و از همدیگر غیبت و انتقاد
بکنند و یا در حد رقابت اقتصادی نبود، بلکه
شمشیر بود و خونریزی و اسارت. در خود مدینه
دو قبیله زندگی می کردند به نام اوس و خزرج و
در کنارشان یهودی ها بودند، یهودی های بنی
قریظه، یهودی های بنی نضیر و یهودیان بنی

قطفان. خود یهودی‌ها با همدیگر اختلاف داشتند.
بنی نضیر دشمن بنی قریظه، بنی قریظه دشمن
بنی نضیر و بنی قطفان دشمن هر دو و همه
یهودی‌ها دشمن اوس و خزرج از یک ریشه
بودند. یعنی اولاد دو برادر بودند، ولی با همدیگر
جنگ داشتند، جنگ‌هایی تمام نشدنی! ملای رومی
می‌گوید: دو قبیله اوس و خزرج نام داشت / هر
یکیشان جام خون آشام داشت، کینه‌های کهنه
شان از مصطفی / محو شد در نور اسلام و صفا.

امام علی (ع) درباره برخورد اسلامی فرمود: «اذا
لقیتهم اخوانکم فتصافحوا و اظهروا لهم البشاشه و
البشر تتفرقوا و ما علیکم من الاوزار قد ذهب؛
وقتی برادرانتان را دیدار کردید پس مصافحه
کنید و به همدیگر دست بدهید و با روی خندان

با آنان ملاقات کنید که وقتی از هم جدا شوید
همه گناهان شما آمرزیده است» (خصال صدوق،
ص 633). رسول خدا (ص) در مورد مدارا با مردم
فرمود: «اعقل الناس اشد هم مداراه للناس، و اذل
الناس من اهان الناس؛ داناترین مردم کسی است
که با مردم بیشتر مدارا کند و خوارترین مردم
کسی است که به مردم اهانت کند.» (بحار الانوار،
52/75).

امیرالمؤمنین (ع) درباره محبت به مردم از رسول
خدا (ص) نقل می کند که فرمود: رأس العقل بعد
الايمان با... عز و جل التحبب الى الناس؛ سر آغاز
عقل و خردمندی پس از ایمان به خدا اظهار
محبت به مردم و دوستی با آنان است.

نشونه های همدلی چیه؟

برخی از نشونه‌ها وجود دارن که نشون میدن شما
فردی همدل هستید

شما در گوش دادن به صحبت های دیگران، خوب
هستید؛

مردم اغلب مشکلاتشون رو به شما میگن؛

زمانی که به حرفاش گوش میکنین حوصلتون سر
نمیره؛

شما در درک احساسات دیگران خوب هستید؛

شما اغلب به احساس دیگران فکر می کنین؛

افراد برای مشورت به شما مراجعه می کنن.؛

اغلب احساس می‌کنین تحت تأثیر رویدادهای
غم‌انگیز هستید؛

شما سعی می‌کنید به دیگرانی که رنج می‌برن،
کمک کنید؛

گاهی اوقات در موقعیت‌های اجتماعی احساس
خستگی یا فرسودگی می‌کنید؛

شما عمیقاً به دیگران اهمیت میدید؛

یه فرد همدل در فروشنده‌گی، مشکل رو بهتر
تشخیص میده و خواسته و مسئله مشتری رو با
رضایت بیشتری حل میکنه؛

یه فرد همدل در جایگاه مدیریتی، رهبرانه تر
رفتار میکنه. و این ویژگی افراد کاریزماتیک
حساب میشه؛

همدلی یکی از مولفه های هوش هیجانیه، پس با
هم EQ تمرین مهارت همدلی هوش هیجانی یا
فعال تر میشه؛

هرچی خطاهای شناختیمون کمتر باشه، راحت تر
همدلی می کنیم؛

هرچی قضاوت و مقصر دونستن آدمها در
وجودمون کمتر باشه، راحت تر همدلی میکنیم.

مهارت همدلی چطور به دست میاد؟

خوشبختانه همدلی مهارتی که می‌تونید اون رو یاد بگیرید و تقویت کنید. این یعنی لازم نیست که با مهارت همدلی متولد شده باشید. اگه می‌خواهید مهارت‌های همدلیتون رو تقویت کنید، چند کار وجود داره که می‌تونید انجام بدید

اول از همه همدلی رو به فضیلت اخلاقی دوردست نبینید، باور کنید که به مهارت‌ها و با قدم‌های کوچیک شروع کنید.

بدون وقفه روی گوش دادن به مردم کار کنید.

به زبان بدن و بقیه ی انواع ارتباطات

.غیر کلامی شون توجه کنید

سعی کنید آدما رو درک کنید، حتی زمانی که

.باهاشون موافق نیستید

سوالاتتون رو از آدما پرسید تا در مورد خودشون

.و زندگیشون بیشتر بدونید

.خودتون رو به جای شخص مقابل تصور کنید

در مورد شناخت نظر و نگاه دیگران وقت

.بگذارید و کنجکاو باشید

ما صداها ی زیادی رو میشنویم اما دقت گوش فرا

دادن رو نداریم. روی گوش دادن با دقت به افکار

.و احساسات مردم وقت بگذارید

ذهنت رو باز بگذار و اجازه بده تحت تاثیر افکار
و احساساتشون قرار بگیری (واسه اینکه بتونی
(مردم رو تحت تاثیر قرار بدی لازمش داری).

وقتی یه نفر از دردهاش می‌گه، محترمانه و بدون
قضاوت واکنشها و احساسات خودت رو به
اشتراک بگذار و با حرکت سرت تایید کن که
کاملاً درکشون می‌کنی.

حساسیت “رادار عاطفی” رو بالا ببر تا با تماشای
زبان بدن و حالات چهره بتونی حرف‌هایی که
شفاف و مستقیم گفته نمیشه، تا حد امکان درک
کنی.

سواد عاطفیت رو گسترش بده، هرچه بیشتر
مطالعه کنی درک بهتری از لحنها و چهره ها
خواهی داشت.

هوش هیجانی توی تربیت بسط و گسترش پیدا
میکنه و به مهارت همدلی کمک میکنه.

همدلی، همکاری رو تسهیل میکنه، برعکس هم
خواهد بود. پس با کمک به دیگری، سختی کارش
رو بفهم.

با تمرین مهارت تفکر نقاد و خلاق، همدلی
گسترش پیدا میکنه و برعکس.

آثار مثبت همدلی:

همدلی عامل پیشگیری بسیاری از رفتارهای ناخوشایند می‌شود -

در طرفین احساس خوشایند و مثبت به وجود -
میآید.

موجب اخذ تصمیمهای صحیح‌تر می‌شود --

از بسیاری تعارض‌ها و سوء تفاهم‌ها جلوگیری -
می‌کند.

در تحکیم روابط مسئولین و اقشار مختلف مردم -
می‌تواند نقش مهمی داشته باشد

امنیت روانی و آسایش خاطر رو تقویت می‌کند -

. همدلی

مولایمان حضرت حجت ابن الحسن عجل
الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که:

اگر شیعیان ما در انجام عهدی که خداوند بر
عهده آنان گزارده با همدیگر همدل می
شدند خداوند سعادت دیدار ما را حتی یک لحظه
از آنان دریغ نمی کرد.

آثار مثبت همدلی

عامل پیشگیری بسیاری از رفتارهای ناخوشایند
می‌شود.

- در طرفین احساس خوشایند و مثبت به وجود
می‌آید.

- فرد رو از احساس تنهایی نجات می‌دهد.

- موجب اخذ تصمیم‌های صحیح‌تر می‌شود.

- از بسیاری تعارض‌ها و سوء تفاهم‌ها جلوگیری
می‌کند.

- همدلی به جا و مناسب باعث تعدیل و اصلاح
شناخت و احساس و رفتار می‌شود.

- در تحکیم روابط مسئولین و اقشار مختلف مردم
می‌تواند نقش مهمی داشته باشد.

- احساس آرامش و قوی ادراک فرد رو افزایش
می‌دهد.

- موجب اعتماد به نفس می‌شود.

- زمینه شناخت بهتر و بیشتر از یکدیگر رو

فراهم می‌کند.

روابط خانوادگی و اجتماعی رو بهبود می‌بخشد -

امنیت روانی و آسایش خاطر رو تقویت می‌کند -

میل به شرکت در فعالیت های گروهی رو -

افزایش میدهد

-

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا

اسلام به همدلی و هم زبانی مسلمین خیلی تاکید

کرده .

ان هذه امتکم واحده و انا ربکم فاتقون - (انبیا/

)92

محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار
رحماء بینهم - محمد (ص) پیامبر خدا و کسانی که
همراه او هستند همگی نسبت به کفار صلابت و
شدت دارند و در میان خود دارای رافت و رحمت
خواهند بود. (سوره فتح /29)

بر این اساس حضرت امام و مقام معظم رهبری
بر روی همدلی خیلی تاکید و اصرار دارند زیرا
برکات همدلی ملت و دولت برای کشورمان بسیار
ضروری است.

همدلی و همزبانی دولت و ملت ایران اسلامی
سبب شکوفایی استعدادها و ظرفیت های عظیم و
مهم داخلی و همچنین افزایش توان مقابله و ایجاد
هم افزایی در مواجهه با بیگانگان و مشکلات پیش
روی کشور می گردد، مانع هرز منابع و ثروت

های عمومی نیز می شود. رهبر معظم انقلاب
اسلامی در پیام نوروزی شان فرمودند: «دولت،
کارگزار ملت، و ملت کارفرمای دولت است، و هر
چه همکاری دولت و ملت بیشتر باشد، کارها بهتر
پیش خواهد رفت، بنابراین هم دولت باید واقعاً
ملت را قبول داشته باشد و ارزش، اهمیت و
توانایی های مردم را به درستی بپذیرد، و هم ملت
باید به معنای واقعی کلمه به دولت اعتماد کند».
همین موضوع رمز پیشرفت هر کشوری است، هر
چه دولت با ملت پیوند و ارتباط بیشتری داشته
باشد، دستیابی به تعالی و پیشرفت زودتر حاصل
می شود

. می توان برخی از مهمترین عرصه هایی که سبب
افزایش همدلی و همزبانی میان دولت و ملت می
گردد را به شرح زیر بیان نمود:

اول؛ عرصه های دولت: دولت برای آنکه بتواند
آحاد مردم را نسبت به فعالیت ها، برنامه ها و
اقداماتش با خود همدل و همزبان سازد می
بایست در عرصه های زیر اقدامات قابل توجهی
انجام دهد:

* افزایش مشارکت اجتماعی و واگذاری امور به
مردم: یکی از مهمترین وظایف دولت برای ایجاد
همدلی و همزبانی توسعه مشارکت های اجتماعی
و واگذاری امور به مردم است. چنین نگاهی

مستلزم این است که مسئولین بدانند تکیه گاه اصلی آنها مردم و صاحب اصلی کشور مردم هستند. رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله) در دیدار با مردم آذربایجان به این حقیقت چنین اشاره داشته اند: «کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ مردم. کار وقتی دست خود مردم سپرده شد - که صاحبان کشورند، صاحبان آینده‌اند - آن وقت کارها به سامان خواهد رسید. (۲۹/۱۱/۹۳) بنابراین مسئولین بایستی این توان عظیم و ظرفیت بی نهایت را بپذیرند و به آن اعتماد کنند.

2

*سلامت اداری و مقابله با فقر، فساد و تبعیض:
یکی از مهمترین عرصه های افزایش اعتماد

عمومی و ایجاد همدلی و همزبانی بین دولت و ملت مقابله با فساد اداری و برجیده شدن رشا و ارتشا، پارتی بازی، توصیه پذیری، تبعیض و هرگونه فسادى در بدنه دولت و وزارت خانه‌هاى مربوطه است. رهبر معظم انقلاب اسلامى(دامه برکاته) نیز در پیامى به برگزارى «همایش ملّی ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» از همه مسئولین خواست در مورد مبارزه با فساد و سلامت اداری اقدام قاطع و اساسی انجام گیرد که نتیجه را همه بطور ملموس مشاهده کنند.

(۱۳۹۳/۰۹/۱۷)

]

*ارتقای سطح رفاهی و بهبود معیشت مردم:
دولت و دولتمردان باید طعم تلخ نداری و فقر

مردم را حس کرده و تمامی توان خود را برای
بهبود معیشت و کاهش تورم و فقر در جامعه به
کار بندند. اگر در اوضاع نامساعد اقتصادی عده
زیادی از مردم تحت فشار بوده و مسئولین دولتی
بدون احساس مسئولیت کافی زندگی مرفهی
داشته باشند نه تنها همدلی و همزبانی رخ
نمی‌دهد بلکه بیشتر سبب ناامیدی و دلسردی
مردم نسبت به دولت می‌گردد. رهبر معظم
انقلاب (دامه برکاته) در دیدار با مردم استان ایلام
در این باره فرمودند: « یکی از راه‌های زمینه‌سازی
برای رسیدن مردم به سعادت واقعی ، تلاش به
منظور بهبود معیشت مردم و ریشه‌کن کردن فقر،
بیکاری، شکاف طبقاتی و تبعیض است» (روزنامه
جام جم)

*صداقت، شفاف سازی در عملکرد و پاسخگویی

در مسئولیت: مردم زمانی می توانند به دولت اعتماد نمایند که دولت مسائل کشور را صادقانه و شفاف با آنها در میان گذاشته و ضمن ارائه مستمر گزارش عملکرد خود برای مردم، به اصل مهم “پاسخگویی در مسئولیت” به عنوان پیش نیاز نظم اجتماعی اعتقاد راسخ و عملی داشته باشد.

*قانون مداری و حراست از حقوق مردم: زمانی

که مردم مشاهده نمایند دولتمردان در قول و عمل آنها را صاحب کشور و ولی نعمت خود دانسته و از حقوق آنها بر اساس قانون اساسی به نحو احسن حمایت و حراست می نمایند نسبت به دولت دلگرم شده و در توسعه کشور با برنامه

های دولت همدل و همزبان می شوند. البته رعایت قانون به خودی خود حقوق مردم را تأمین نمی کند. ممکن است قانونی ظالمانه یا اساساً با هدف پایمال کردن حقوق همه یا بخشی از مردم در مواردی موجود باشد. اما قانون اگر در جهت عدالت و تأمین حقوق مردم باشد باز هم به خودی خود به رعایت و تأمین این حقوق نمی انجامد. اینجاست که رعایت قانون یا قانون مداری نقش خود را در تأمین حقوق مردم نشان می دهد. پس حقوق مردم وقتی تأمین می شود که اولاً قانون، عادلانه باشد و ثانیاً سازمان اداره دولت - کشور بر مدار آن عمل کند. (حقوق مردم در حکومت از دیدگاه امام خمینی)

دوم؛ عرصه های ملت: آحاد مردم نیز موظفند بر اساس توصیه رهبر انقلاب (مدظله العالی) برای تحقق همدلی و همزبانی با دولت نسبت به تحقق موارد زیر اهتمام جدی داشته باشند:

*پرداخت منظم مالیات و حقوق دولت: آنچه مسلم است دولت در قبال خدماتی که به مردم ارائه می دهد از حقوقی نیز برخوردار است. اکنون که دولت مجبور به فاصله گرفتن از خام فروشی و وابستگی به نفت است باید مردم نیز برای تحقق این هدف دولتمردان را یاری نمایند. متأسفانه فرار مالیاتی خصوصاً توسط افرادی که درآمدهای سرشاری دارند آسیب جدی در مسیر تحقق این

هدف دولت است که می تواند عرصه مناسبی
برای توسعه همراهی ملت با دولت باشد.

*اعتماد به دولت: بنا به تعبیر رهبر انقلاب (دامه
برکاته)؛ «هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر
و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها
بهتر پیش خواهد رفت. باید به یکدیگر اعتماد
کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه
قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی های
ملت را به درستی بپذیرد، هم ملت به دولت که
کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه
اعتماد کند.»

*نقد منصفانه و پرهیز از سیاه نمایی: متأسفانه
رسم غلطی در جامعه وجود دارد که عده ای فارغ
از اینکه چه دولتی و با چه رویکردی سرکار است
همواره به دنبال بزرگ نمایی کاستی های دولت
مردان و سیاه نمایی وضعیت کشور هستند. آنچه
مسلم است نظام مدیریتی ما کاستی های فراوانی
دارد اما مردم برای همدلی و همزبانی با دولت
باید با پرهیز از سیاه نمایی و غرض ورزی با نقد
منصفانه دولت را در جهت رفع کاستی ها و تحقق
اهداف متعالی کشور یاری نمایند.

در نهایت یک اصل بسیار مهم که می تواند
مهمترین عامل وحدت بین دولت و ملت و
همچنین پیشرفت و ترقی کشور اسلامی ایران

گردد اصل ولایت پذیری است. تجربه تاریخی کشور از ابتدای انقلاب تا کنون نشان داده است که در برهه های بسیار مهم و گهگاه سرنوشت ساز کشور مقام معظم رهبری حفظه الله با ورود به آن و ارائه نکات روشنگریانه برای مسئولین و ملت عزیزمان توانستند کشور را از پیچ های خطرناک تاریخ به سلامت عبور دهند. هر جا رهبری احساس کردند که این اتحاد در خطر است با درایت، فتنه ها و توطئه ها را سرکوب کردند ایشان هرگونه گفتار یا کردار و رفتاری که در زمان حاضر سوژه و بهانه به دست دشمن بدهد و یا موجب اختلاف و تفرقه در کشور شود با نصیحت های پدران خود، وحدت و اتحاد را در سطح جامعه حکمفرما می کند. بنابراین اصل رهبری و ولایت پذیری یکی از اصول مهم همدلی و هم زبانی بین احاد مردم (مسئولین و مردم عامه)

در جمهوری اسلامی ایران می باشد که همه افراد
با بهره مندی از این گنجینه غنی معرفت و
معنویت می توانند خود و کشور را از هرنوع افت
و بیماری مصون دارند

همدلی از وظایف منتظران

یکی از وظایف منتظران ظهور امام مهدی (ع)
،وحدت بین شیعیان است.باید منتظران ظهور ید
واحد باشند و از اختلاف دوری کنند و دستشان
در دست هم باشد.زیرا اختلاف به دین ضربه می
زند وباعث ناراحتی قلب نازنین امام زمان ع می
شود.

شرع لكم من الدين ما وصى به نوحا و
الذى اوحينا اليك و ما وصينا به ابراهيم
و موسى وعيسى ان اقيموا الدين و لاتفرقوا
فيه» شوری 13»

واجب کرد بر شما از دین آنچه را
که به آن نوح سفارش نمود و آنچه که به
ابراهیم و موسی و عیسی وحی نمودیم که
دین را برپا دارید و دچار تفرقه
نشوید.

ولا تكونوا كالذى تفرقوا و اختلفوا من
بعد ما جائتهم البينات و اولئک لهم عذاب
عظیم» .ال عمران 105»

نباشید مانند کسانی که دچار تفرقه
شدند و با هم اختلاف نمودند بعد از
اینکه برای آنها بینات و دلایل روشن
آمد. اینها شایسته عذاب عظیم هستند.

وان هذه امتکم واحده وانا ربکم

فاتقون» مؤمنون 52»

امت اسلامی یک امت یکپارچه است
و من پروردگار شمایم پس تقوا بورزید.

مخصوصاً وحدت بین حوزه و دانشگاه بسیار
ضروری است. زیرا حوزه و دانشگاه دوازوی
نظام هستند که وقتی باهم باشند می توانند باعث
پیشرفت نظام بشوند و اگر مقابل هم باشند باعث
تضعیف نظام می شود.

حضرت امام تاکید داشتند که این دو نهاد بسیار
حساس باهم باشند و یقیناً امام زمان ع هم انتظار
دارد این دو باهم وحدت داشته باشند. شهید مفتاح
از بانیان وحدت بین حوزه و دانشگاه بود که

دشمنان نتوانستند او را تحمل کنند و او را بشهادت
رسانند اما آثار زحمات ایشان باقی ماند و الان بین
حوزه و دانشگاه صمیمیت و اتحاد واقع شده است
و هر دو باعث پیشرفت این نظام مقدس هستند.

منتظران ظهور در زمان غیبت حجت الهی باهم
متحد هستند و منتظرند تا امامشان ظاهر شود و
جهان را پر از وحدت و اتحا نماید.

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا

وقتی ملت ایران و دولت نظام جمهوری اسلامی
همه یکدل و یک زبان باشد آثار شگرف و بزرگی
برای کشور به ارمغان خواهد آورد.

از جمله انها :

«پیشرفت اقتصادی»، «اقتدار و عزت منطقه‌ای و
بین‌المللی»، «جهش‌های علمی به معنای واقعی»،
«عدالت قضایی و اقتصادی» و از همه مهم‌تر،
«ایمان و معنویت»،

که تحقق اینها منوط به همکاری، همدلی و
صمیمیت دوسویه دولت و ملت می باشد
مقام معظم رهبری فرمودند که: « دولت، کارگزار
ملت، و ملت کارفرمای دولت است، و هر چه
همکاری دولت و ملت بیشتر باشد، کارها بهتر
پیش خواهد رفت، بنابراین هم دولت باید واقعاً
ملت را قبول داشته باشد و ارزش، اهمیت و
توانایی‌های مردم را به درستی بپذیرد و هم ملت
باید به معنای واقعی کلمه به دولت اعتماد کند

همچنین از آثار مهم همدلی و همزبانی دولت و

ملت را می توان در تقویت فرایضی چون «.

نماز، زکات، امر به معروف و نهی از

منکر» دانست که اینها پایه های اصلی نظام

جمهوری اسلامی را تشکیل می دهند

و باز از آثار مهم همدلی بین دولت و ملت این

است که در هنگام خطر، نظام اسلامی با قدرت می

تواند خطرات را دفع کند همانطور که رهبر

انقلاب، اتحاد کلمه مردم و دولت را، به خصوص

در مواقعی که کشور با چالش های مهمی

روبه روست، ضروری دانستند و افزودند: امروز

وظیفه آحاد ملت این است که به مسئولان

کشوری و دولتی کمک و از آنها حمایت کنند

چرا اسلام بر وحدت و همدلی تاکید دارد؟

علاّت تاکید فراوان اسلام بر همدلی بین مسلمانان

اعم از دولت و حکومت و مردم این است که

همدلی باعث تقویت اسلام می شود. همدلی امنیت

می آورد. همدلی جلو فتنه ها را می گیرد. همدلی

باعث پیشرفت اسلام می شود. همدلی جلو نزاع ها

و جنگ ها را می گیرد و همدلی باعث آرامش بین

مردم می شود. همدلی عقب ماندگی های گذشته

را جبران می کند. همدلی مورد رضایت پروردگار

عالمیان است.

از جمله مظاهر اصلی همدلی، همدلی بین نظام

سیاسی و مردم است. علی(ع) در خطبه ۲۱۶،

شناخت و اداء حق و تکلیف متقابل حکومت و

مردم را موجب الفت و همدلی و به هم پیوستگی
این دو (نِظَاماً لِأَلْفَتِهِمْ) می دانند و بیان می دارند در
سایه عمل به وظایف متقابل، حق در میان آنها
عزت یابد، پایه های دینشان استواری گیرد،
نشانه های عدالت برپا گردد، سنت های پیامبر
(ص) در مسیر خود افتد و اجرا گردد، روزگار
برای زندگی به صلاح آید، امید به بقای دولت
قوت گیرد و دشمنان مأیوس گردند. آنگاه می
فرمایند اگر این همدلی در سایه عمل به وظایف
متقابل رخ ندهد میان آنها اختلاف کلمه پدید آید،
نشانه های جور پدیدار آید، تباهکاری در دین
بسیار شود، عمل به سنتها متروک ماند و به هوا و
هوس کار کنند، احکام اجرا نگردد، دردها و
بیماری های مردم افزون شود، کس از پایمال
شدن حق بزرگ و رواج امور باطل بیمی به دل راه
ندهد، در این هنگام نیکان به خواری افتند، بدان

عزت یابند و بازخواست های خداوند از بندگان
بسیار گردد.

علی (ع) در ادامه خطبه، راه تحقق جامعه همدل را
درک متقابل وظایف، خیرخواهی و
نصیحت (التناصح)، یاری رسانی نیکو (حسن
التعاون) و امر به معروف و نهی از منکر (مَقَالَه
:بِحَقِّ أَوْ مَشُورَه بِعَدْلٍ) دانسته و می فرماید

پس بر شماست که در چنین زمانی به یکدیگر
اندرز دهید و یکدیگر را نیکو یاری دهید. هیچ
کس نمی تواند حق طاعت خداوند را آنسان، که
سزای اوست، به جای آورد، هر چند، هم که در به
دست آوردن خشنودی او آزمند بود و بسیار
بکوشد. از حقوق واجب خداوند بر بندگان این
است که یکدیگر را به مقدار توان اندرز دهند و

حق را در میان خود برپای دارند و در این کار به
یکدیگر یاری رسانند. و کسی نیست که در
گزاردن حق از یاری خدا بی نیاز باشد، هر چند،
منزلت وی در حق بزرگتر بود یا فضیلتش در دین
بیش از دیگران باشد. آدمی هر چند، خرد و
بی مقدار باشد و در دیده‌ها بی ارج آید، می تواند
که دیگران را بر حق یاری دهد یا از دیگران یاری

ارکان سه گانه اتحاد

انما المومنون اخوه

اسلام دین وحدت و همدلی است و برای اینکه
بین اقشار مردم و بین دولت و ملت، این همدلی
نهادینه گردد به سه چیز نیاز است.

در وحدت و انسجام اجتماعی سه چیز نقش
اساسی دارد:

1. عدالت و رعایت حقوق دیگران؛

2. ارتباطات خیرخواهانه و برخاسته از انگیزه
معنوی و الهی؛

3. ایثار و حمایت از دیگران با قصد قربت و جلب
رضای الهی.

امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی بر سه نکته
فوق تأکید کرده:

«إِنَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ جَنَّةً لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا ثَلَاثَةٌ؛ رَجُلٌ حَكَمَ
عَلَى نَفْسِهِ بِالْحَقِّ، وَ رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ
وَ رَجُلٌ آثَرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِي اللَّهِ؛ خدای عزوجل
بهشتی دارد که جز سه کس به آن وارد نشوند. 1.

کسی که علیه خویش براساس حق و عدالت

داوری کند؛ 2. کسی که برادر مؤمنش را فقط به انگیزه الهی دیدار کند؛ 3. کسی که برای رضای خدا برادر ایمانی را بر خویش ترجیح دهد».

«عدالت»، «زیارت» و «خدمت» در روابط اجتماعی ارکان سه گانه اتحاد و انسجام اسلامی است.

با هم عادلانه رفتار کنیم، به دیدار یکدیگر برویم، و به همدیگر برای رضای خدا خدمت کنیم، تا اتحاد و انسجام اسلامی در عمل نمایان شود.

حاکمیت خدا بر روح و روان انسانها، زیر بنای برادری، همدلی، همکاری و مهربانی و حاکمیت نفس و امیال دنیایی، بزرگ ترین مانع در برابر اتحاد و برادری و مایه اختلافات اجتماعی است.

آفات وحدت اسلامی

تبعیضها، خودخواهیها، امتیاز جوئیها بدعتها،
تکفیرها و تهمت‌ها، غیبت‌ها و بد گمانیها، جهالت‌ها و
انزوا گراییها و تکرویها، ریشه اختلافات جامعه
بشری شناخته می شود.

در دنیای اسلام هم همین بیماریهای اجتماعی،
فرهنگی و اخلاقی، اتحاد و انسجام دنیای اسلام را
همیشه با مشکل مواجه ساخته است.

از دیدگاه عقیدتی، توحید زیر بنای وحدت است و
کفر و شرک زیر بنای اختلاف و درگیری. از
دیدگاه ایدئولوژی و آرمانها، آخرت گرایی زیر
بنای اتحاد و دنیاگرایی ریشه اختلاف و نزاع و
کشمکشهاست.

از دیدگاه رفتاری، پای بندی به شریعت زیر بنای
وحدت، و بدعت مادر اختلاف و خصومت و
نامهربانیهاست.

از دیدگاه سیاسی، پذیرش نظام امامت، ضامن
اتحاد سیاسی دنیای اسلام است، و تن دادن به
سلطنت و دموکراسی غربی ریشه عقب ماندگی
امت اسلامی و اختلافات سیاسی.

سلطه اجانب و نفوذ آنان در کشورهای اسلامی
ریشه اختلافات و جنگ و جدال فرق و مذاهب
موجود در کشورهای اسلامی است.

اختلافات فکری، فرهنگی را در سایه توحید و
تسلیم در برابر خدا می توان حل کرد.

اختلافات اجتماعی در پرتو امامت و عدالت رنگ
می بازد و جداییها به وحدت می انجامد.

اختلافات اخلاقی و رفتاری تنها تبلیغ تفکر سکولار
و مبارزه با غیرت دینی، خدمت به وحدت بشریت
نیست؛ زمینه سازی برای هرج و مرج و غارت
ملتهاست

براساس تقوا و خودسازی زدوده می شود.

بنابراین دین الهی و دینداری، بزرگ ترین عامل اتحاد و هماهنگی نه تنها در دنیای اسلام بلکه در جامعه بزرگ بشری است.

بشر اگر دنیای آباد و آزاد و پر رونقی هم بخواهد، راهی غیر از پذیرش اصول عقاید اسلامی و قبول و اجرای احکام الهی ندارد.

حوزه و روحانیت و مبلغان دین با تبلیغ و ترویج ایمان و اندیشه های اسلامی و احکام دینی نقشی مهم در اتحاد بشریت و مسلمانان ایفا می کنند و مخالفان دین میدان را برای هر گونه کشمکش و عدالت و اختلاف فراهم می آورند. تبلیغ تفکر سکولار و مبارزه با غیرت دینی، خدمت به وحدت بشریت نیست؛ زمینه سازی برای هرج و مرج و غارت ملتهاست.

ولایت عامل همدلی و وحدت

واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا

از پیامبر خدا سوال کردند اینکه خدا دستور داده

به حبل الله چنگ بزنید حبل الله چیست و

کیست؟ پیامبر خدا فرمود امیر مومنان و امامت

حبل الله است که همه باید به ان پناه ببرند تا

پیروز شوند.

وحدت رمز پیروزی مسلمین است و تنها راه

وحدت این است که همه مسلمین ولایت داشته

باشند.

ولایت نزد خدای متعال بهترین عامل برای وحدت

جامعه است، تا جایی که اگر همه جامعه اسلامی بر

محور ولایت امیر مؤمنان(ع) به عنوان وصی و
جانشین پیامبر(ص) اجتماع می کردند، جامعه
اسلامی هرگز به پراکندگی، تفرقه و آتش اختلاف
مبتلا نمی شد.

اگر امروز شاهد بسیاری از اختلافها در جهان اسلام
هستیم، دلیل اصلی آن تغییر مسیر و انحرافی است
که از شاهراه ولایت به عنوان تنها مسیر سعادت
بشر رخ داده است؛ بنابراین ما معتقدیم امروز همه
آنچه می تواند جهان اسلام را نجات داده و
مسلمانان را زیر بیرق وحدت جمع کند، اطاعت از
ولی امر است، آن هم به عنوان واجبی که خداوند
تعیین کرده و آن را شرط اکمال دین و رسالت
پیامبر خویش معرفی کرده است. امروز اگر جوامع
اسلامی دچار تشتت، اختلاف و جنگ و کشتار شده
اند و اختلافاتی میان مسلمانان دیده می شود، برای

آن است که عده ای خود را به عنوان امیر و حاکم
به مردم تحمیل کرده اند، مانند بسیاری از حکام
عرب که هیچ گونه جایگاه و پایگاهی در میان
مردم ندارند، اما خود را بر آنها تحمیل می کنند و
بهترین شاهد برای چنین تحمیلی، گروهک
تروریستی داعش است که اطراف یک نفر را
گرفته و او را امیر مسلمین! معرفی می کنند، در
حالی که او نه تنها علم، درایت و صلاحیت ندارد،
بلکه فراتر از آن حتی دین ندارد.

این در حالی است که اگر زمینه برای ولایت
جانشینان پیامبر (ص) به عنوان کسانی که ولایتشان
از جانب خداوند تفویض شده، فراهم می شد،
هرگز شاهد چنین جنایاتی در جهان اسلام نبودیم.
باید توجه داشت بنا بر آموزه های قرآن و دین،
کسی که ولایت مردم را عهده دار می شود باید در

ردیف اولیای الهی باشد یعنی عدالت، ورع و تقوا و نیز دغدغه نسبت به دین خدا داشته باشد و لحظه ای از فکر هدایت و کمک به مردم خارج نشود.

چنین ولی و حاکمی اگر در میان مردم باشد می تواند محور وحدت بوده و با ممانعت از اختلاف و آشوب و ظلم و فساد، سایه وحدت را بر جامعه حاکم کند.

در حالی که غدیر به عنوان یک حقیقت انکارناپذیر هم مورد تأکید قرآن و هم تصریح روایات شخص پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع) است تا جایی که بیش از 70 سند و طریق حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ...» را بیان و این واقعیت را تصریح کرده اند که در غدیر خم علی بن ابی طالب (ع) به عنوان امام، ولی و سرپرست جامعه اسلامی و وصی پیامبر (ص) معرفی شده اند.

بنابراین، غدیر مسأله ای مسلم و غیرقابل تردید است که باید هم شناخته و هم شناسانده شود تا همگان دریابند خداوند چه مسیری را برای کمال بشر انتخاب کرده و چگونه باید در این مسیر حرکت کرد.

فلسفه واقعه غدیر خم و هدف از برگزاری چنین مراسم حفظ دین در وحدت امت و عدم تفرقه و فشل و حفظ میراث نبوت و امت از از همه بلاها بود که به درستی نه درک شد و نه مورد عمل واقع شد، از اینرو امت اسلام گرفتار بلاهایی گردیدند که در طول تاریخ نمونه های آن زیاد گزارش شده است ؛ نمونه عینی آن نیز همین وقایع اخیر در عراق و سوریه و یمن و افغانستان و... است که اگر همه پیرامون نور غدیر و امامت بودند این بلاها وجود

نداشت؛//////کتاب الغدير توسط علامه امینی نیز
برای همین منظور و مقصد نوشته شد تا امت اسلام
با مطالعه و تحقیق با واقعه غدیر و پیام آن رفتار
کنند و بدون تعصبات فرقه ای به آن نگاه کنند
؛//////پیامبر اکرم این روز را عید اعلام کرد
و مسلمانان در سایه این عید جمع نمود و جایگاه
امامت و شخص امام را معرفی کرد تا آیندگان نیز
به این وحدت شناخت داشته باشند و الفت و انس
و مهربانی داشته باشند. در سایه این عید جمع شده
و با هم انس بگیرند ؛

پیام غدیر فراموش شد پس از پیامبر (ص) به
محض آن بلا فاصله جنگ و برادر کشی و قتل
و غارت در جامعه اسلامی آغاز گردید و به گفته

شهرستانی خلافت چیزی بود که بر سر آن خونهای
زیادی ریخته شد در حالی که پیامبر تکلیف خلافت
را روشن کرده بود و شخصی تعیین کرده بود ؛ اگر
پیام غدیر به خوبی شناخته گردد ؛ مردم بادرک
این پیام می توانند درباره سرنوشت خود که
خداوند برای مصلحت آنان تعیین نمود تا با امامت
باشند سرنوشت آنان با غیر امام بودن تفاوت دارد
؛ سرنوشتی و راهی که خدا مشخص نمود همراهی
با امامت و آن سرنوشتی که دیگران املا کردند
و در سایه کودتا رقم زدند ، سرنوشتی است که امت
به بلاهای مختلف در طول 14 قرن گرفتار آمد که
بلاهایی چون تفرقه امت؛ خون ریزی و برادر
کشی، دخالت استعمارگران و تقسیم قلمرو اسلام
و تجزیه آن و ایجاد مرزهای اختلاف برانگیز و دامنه
دار برای حضور خود و داشتن مستعمرات در قلمرو

اسلامی، جنایات هولناک داعش و گروه‌های تکفیری
با عناوین مختلف : القاعده ؛ جهادی ، طالبان ، شبه
نظامیان پاکستان؛ بمب‌گذاری‌ها و انفجارهای
روزانه که صدها زن و مرد و کودک بی‌گناه را به
کام مرگ می‌کشاند و آواره شدن صدها هزار
انسان در جنگ‌های استعماری؛ خالی کردن خزانه
های کشورهای اسلامی که مانع توسعه و رشد علمی
و تمدنی است؛ غارت ذخایر و منابع معدنی و نفت
و گاز و سرقت آثار باستانی و کتابخانه‌های
کشورهای اسلامی جهت غنی نمودن موزه‌های
خود، فروش سلاح‌ها و پیشگیری از ورشکسته شدن
کارخانه‌های تولید سلاح‌های مرگبار که بیشتر
سهمداران آن‌ها یهودیان و بهائیان و صهیونیست‌ها
هستند.

راههای ایجاد همدلی بین مردم از نظر قرآن و

احادیث

واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا". به

ریسمان مستحکم الهی چنگ زنید و متفرق

نشوید

برنامه اسلام انست که با توصیه های مهمی که

درقران واحادیث کرده سعی کرده بین انسان ها

رابطه قوی عاطفی برقرار کند و برخورد افراد

باهم همراه ا محبت و صمیمیت باشد.

لذا آنچه که وجودش سبب ازدیاد محبت و علاقه

بین اقشار مختلف مردم بوده و هست، اسلام آن

را بصورت واجب یا مستحب سفارش کرده و در

مورد آن تأکید نموده است، مانند: برخورد خوب

با انسانها، نیکی به پدر و مادر، نیکی به فرزندان،

بر آوردن نیازهای مردم و یاری آنها، معاشرت
خوب با همسایگان و ضعیفان و بی سرپرستان و
یتیمان... و آنچه را که موجب جدایی و از بین
رفتن علاقه و ایجاد کینه و بدبینی می شود، نهی
کرده و مردم را از نزدیک شدن به آنها شدیداً
بر حذر داشته است مانند تهمت، غیبت،
دروغگویی، سخن چینی، نفاق و...

نقش محبت و علاقه انسانها به همدیگر چیزی
نیست که قابل انکار باشد، حتی بعضی دانشمندان
معتقدند که تنها راه اصلاح جامعه و سعادت بشر،
ایجاد محبت و علاقه شدید بین انسانهاست در
حدی که باعث شود کسی به دیگری ستم روا
ندارد.

یکی از انواع همدلی، همدلی سنی و شیعه است.
، قران در سفارش به وحدت صفوف مؤمنین و
پرهیز و اجتناب از تفرقه با اعتصام به حبل الهی

تأکید دارد " واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا". به ريسمان مستحكم الهی چنگ زنيد و متفرق نشويد.

بايد توجه داشت؛ امروز جهان اسلام بيش از هر زمان ديگری به اين انسجام و همبستگی و اتحاد و همدلی نيازمند است و لازم است ما خودمان چه در داخل کشور و چه در بين الملل اسلامی پيشتاز اين وحدت باشيم همچنان که امام راحل رحمه الله عليه و نظام جمهوری اسلامی با اعلام هفته ی وحدت در اين امر پيشگام شدند. لذا هر گونه اقدام تفرقه انگيز تحت هر عنوانی ولو با توجيهات مقدس که موجب بد بينی مسلمانان به همدیگر و يا تشديد اختلافات مذهبی، قومی و سياسی و اجتماعی بشود، حرام شرعی است. امير مؤمنان عليه السلام و امام صادق عليه السلام يقيناً معرفت و تعصبشان و حميت و غير تشان به مقدسات

مذهب و حریم ولایت الهی از امثال من و شما
بیشتر بوده است. اما آن بزرگواران مصالح امت را
بر همه چیز ترجیح دادند و با بیست و پنج سال
سکوت و همراهی و شرکت در جماعت ها بر
اهمیت حفظ اسلام و قران و نام پیامبر صلوات الله
و سلامه علیه و آله پای فشاری و تأکید کردند.
امروز عناصر وحدت بین ما مسلمانان بیش از هر
زمان دیگری است، قبله ی واحد، کتاب واحد،
پیامبر اسلام، محبت اهل بیت علیهم السلام،
مناسک و شعائر واحد و دشمن مشترک همه و
همه میتواند انگیزه های اتحاد را بالا ببرد و صد
البتة دشمنان امروز بیش از هر زمانی برای تفرقه
مسلمانان و حتی دشمنی آنها با یکدیگر تلاش و
برنامه ریزی و عملیات می کنند.

همدلی آنقدر مهم است که قرآن کریم آن را به
عنوان یک نعمت بسیار بزرگ بر پیغمبر

اکرم بیان می‌کند، مخصوصا در میان

مردم عربستان که از همه مردم روی زمین متفرق

تر و متشتت تر بودند و اختلافات در میانشان

بیشتر و شدیدتر بود، هم کمی و هم کیفی. کمی

از آن جهت که هر دو قبیله ای با هم جنگ

داشتند در داخل خودشان نیز اختلاف داشتند، و

کیفی از آن جهت که کینه های اینها در حد اینکه

پشت سر یکدیگر حرف بزنند و از همدیگر

غیبت و انتقاد بکنند و یا در حد رقابت اقتصادی

نبود، شمشیر بود و خونریزی و اسارت. در

خود مدینه دو قبیله زندگی می‌کردند به

نام اوس و خزرج، و در کنارشان یهودیهها بودند،

یهودیهای بنی قریظه، یهودیهای بنی نضیر و

یهودیان قطفان. خود یهودیه‌ها با همدیگر اختلاف

داشتند. بنی نضیر دشمن بنی قریظه، بنی قریظه

دشمن بنی نضیر و بنی قطفان دشمن هر دو، و

همه یهودیها دشمن اوس و خزرج از یک ریشه بودند. یعنی اولاد دو برادر بودند ولی با همدیگر جنگ داشتند، جنگهایی تمام نشدنی! ملای

رومی می گوید: دو قبیله اوس و خزرج نام داشت هر یکیشان جام خون آشام داشت، کینه های کهنه شان از مصطفی محو شد در نور اسلام و صفا. خداوند در سوره نحل آیه 90 می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ خداوند فرمان به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان میدهد و از فحشاء و منکر و ظلم و ستم نهی میکند، خداوند به شما اندرز میدهد شاید متذکر شوید». در این آیات نمونه ای از جامعترین تعلیمات اسلام در زمینه مسائل اجتماعی و انسانی و اخلاقی بیان شده است. در نخستین آیه به شش اصل مهم که سه اصل، جنبه

مثبت و مأمور به، و سه اصل جنبه منفی و منهی
عنه دارد، دیده میشود. در آغاز میگوید: " خداوند
فرمان به عدل و احسان میدهد و (همچنین)
بخشش به نزدیکان) "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ
الْإِحْسَانِ وَ إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى. (چه قانونی از " عدل "
وسیعتر و گیراتر و جامعتر تصور میشود؟ عدل
همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور
آن میگردد، آسمانها و زمین و همه موجودات با
عدالت بر پا هستند) بالعدل قامت السماوات و
الارض. (جامعه انسانی که گوشه کوچکی از این
عالم پهناور است نیز نمیتواند از این قانون عالم
شمول، بر کنار باشد و بدون عدل به حیات سالم
خود ادامه دهد.

میدانیم عدل به معنی واقعی کلمه آنست که هر
چیزی در جای خود باشد، بنابراین هر گونه
انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد، تجاوز به

حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است. یک انسان سالم کسی است که تمام دستگاههای بدن او هر یک کار خودش را بدون کم و زیاد انجام دهد، اما به محض اینکه یک یا چند دستگاه در انجام وظیفه کوتاهی کرد یا در مسیر تجاوز گام نهاد، فوراً آثار اختلال در تمام بدن نمایان میشود و بیماری حتمی است. کل جامعه انسانی نیز همانند بدن یک انسان است، که بدون رعایت اصل عدالت بیمار خواهد بود. اما از آنجا که عدالت با همه قدرت و شکوه و تأثیر عمیقش در مواقع بحرانی و استثنایی به تنهایی کارساز نیست، بلافاصله دستور به احسان را پشت سر آن می آورد.

به تعبیر روشن تر در طول زندگی انسانها مواقع حساسی پیش می آید که حل مشکلات به کمک اصل عدالت به تنهایی امکان پذیر نیست، بلکه

نیاز به ایثار و گذشت و فداکاری دارد، که با استفاده از اصل " احسان " باید تحقق یابد. فی المثل دشمن غداری به جامعه ای حمله کرده است و یا طوفان و سیل و زلزله، بخشی از کشوری را ویران نموده، اگر مردم در چنین شرائطی بخواهند در انتظار آن بنشینند که مثلا مالیاتهای عادلانه و سایر قوانین عادی، مشکل را حل کند، امکان پذیر نیست، اینجاست که باید همه کسانی که دارای امکانات بیشتر از نظر نیروی فکری و جسمانی و مالی هستند، دست به فداکاری بزنند و تا آنجا که در قدرت دارند، ایثار کنند، و گرنه دشمن جبار ممکن است کل جامعه آنها را از بین ببرد و یا حوادث دردناک طبیعی، جمع کثیری را به کلی فلج کند. اتفاقا این دو اصل در سازمان بدن یک انسان نیز بطور طبیعی حکومت میکند. در حال عادی تمام دستگاههای بدن نسبت به

یکدیگر خدمت متقابل دارند و هر عضوی برای کل بدن کار میکند و از خدمات اعضای دیگر نیز بهره مند است (این همان اصل عدالت است). (ولی گاه عضوی مجروح میشود و توان متقابل را از دست میدهد، آیا ممکن است در این حال، بقیه اعضاء او را به دست فراموشی بسپارند، به خاطر اینکه از کار افتاده است؟ آیا ممکن است دست از حمایت و تغذیه عضو مجروح بردارند؟ مسلماً نه (و این همان احسان است). در کل جامعه انسانی نیز این دو حالت باید حاکم باشد و گرنه جامعه سالمی نیست. بعد از تکمیل این سه اصل مثبت به سه اصل منفی و منهی می پردازد و میگوید: " خداوند از فحشاء و منکر و بغی، نهی میکند)" و "ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی". (پیرامون این تعبیرات سه گانه " فحشاء "، " منکر " و " بغی " نیز مفسران سخن بسیار گفته اند، اما آنچه

مناسبت‌ر با معنی لغوی و قرینه مقابله این صفات با یکدیگر به نظر می‌رسد آنست که "فحشاء" اشاره به گناهان پنهانی، "منکر" اشاره به گناهان آشکار، و بغی، هر گونه تجاوز از حق خویش و ظلم و خود برترینی نسبت به دیگران است. خداوند با تعبیرهای سه گانه فوق نسبت به طغیان این غرائز، هشدار داده و با یک بیان جامع که همه انحرافات اخلاقی را در بر میگیرد به راه حق، هدایت نموده است و در پایان آیه، به عنوان تأکید مجدد روی تمام این اصول ششگانه میفرماید: "خداوند به شما اندرز میدهد شاید متذکر شوید" (يعظکم لعلکم تذكرون).

در حدیثی از پیامبر (ص) میخوانیم: «جماع التقوی فی قوله تعالى إن الله يأمر بالعدل و الإحسان؛ مجموعه تقوا در این گفتار خدا است، که

میفرماید: خداوند به عدل و احسان فرمان
میدهد». از حدیث بالا و احادیث متعدد دیگر به
خوبی استفاده میشود که آیه فوق به عنوان یک
دستور العمل کلی اسلامی و یکی از مواد قانون
اساسی اسلام و منشور جهانی آن، همواره مورد
توجه مسلمانان بوده است، تا آنجا که طبق

حدیثی، هر گاه امام باقر (ع) نماز جمعه میخواند
آخرین سخنش در خطبه نماز همین آیه بود و به
دنبال آن چنین دعا میکرد: «اللهم اجعلنا ممن
یذکر فتنفعه الذکری؛ خداوندا ما را از کسانی قرار
ده که اندرزها را میشنوند و به حالشان مفید است»
سپس از منبر فرود می آمد.

احیای اصول سه گانه عدل و احسان «و إیتاء ذی
القربی» و مبارزه با انحرافات سه گانه فحشاء و
منکر و بغی در سطح جهانی، کافی است که دنیایی

آباد و آرام و خالی از هر گونه بدبختی و فساد
بسازد و اگر از ابن مسعود صحابی معروف نقل
شده که این آیه جامعترین آیات خیر و شر در
قرآنست به همین دلیل است. خداوند در سوره
کهف آیه 28 می فرماید: «و اصبر نفسک مع
الذین یدعون ربهم بالغداة و العشی یریدون وجهه
و لا تعد عیناک عنهم ترید زینة الحیاء الدنیا و لا
تطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هواه و کان
أمره فرطاً؛ و با کسانی که پروردگارشان را صبح و
شام می خوانند و خشنودی او را می جویند
شکیبایی کن، و برای تجمل زندگی دنیا چشم از
ایشان برمگیر، و از آن کس که قلبش را از یاد
خودمان غافل ساخته ایم و از پی هوای نفس خود
می رود و اساس کارش بر تجاوز است اطاعت
مکن.»

خداوند در آیات قرآن، با تقسیم جامعه به دو

گروه اشراف و فقراء مبارزه میکند. اصولا جامعه ای که گروهی از آن (که طبعا اقلیتی خواهند بود) مرفه ترین زندگی را داشته باشند، در ناز و نعمت غوطه ور، و در اسراف و تبذیر غرق باشند و به موازات آن آلوده انواع مفاسد گردند، در حالی که گروه دیگری که اکثریت را تشکیل میدهند از ابتدایی ترین و ساده ترین وسیله زندگی انسانی محروم باشند چنین جامعه ای نه جامعه ای است که اسلام آن را پسندد و نه رنگ جامعه انسانی دارد. چنین مجتمعی هرگز روی آرامش نخواهد دید، ظلم و ستم، خفقان و سلب آزادی، استعمار و استکبار، حتما بر آن سایه خواهد انداخت. جنگهای خونین غالبا از جامعه هایی که دارای چنین بافتی هستند برخاسته و ناآرامیها در چنین جوامعی هرگز پایان نمی گیرد.

خداوند در سوره حشر آیه 9 یکی از

ویژگی انصار را ایثار معرفی می نماید و می فرماید: «و الذین تبوءوا الدار و الإیمان من قبلهم يحبون من هاجر إلیهم و لا یجدون فی صدورهم حاجة مما أوتوا و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فأولئک هم المفلحون؛ و برای کسانی که در دار الهجرة (سرزمین مدینه) و در خانه ایمان، قبل از مهاجران، مسکن گزیدند، آنها کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست میدارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمیکنند، و آنها را بر خود مقدم میدارند هر چند شدیداً فقیر باشند، کسانی که خداوند آنها را از بخل و حرص نفس خویش بازداشته رستگارند.» در این آیه به توصیف بسیار جالب و بلیغی درباره طایفه انصار میکند و بحثی را که در آیه قبل درباره مهاجران بود با آن تکمیل نموده،

میفرماید: "و کسانی که در دار الهجره (سرزمین مدینه) و در خانه ایمان قبل از مهاجران مسکن گزیدند) "و الذین تبوءوا الدار و الایمان من قبلهم". (قابل توجه اینکه "تبوءوا" از ماده "بواء" (بر وزن دواء) در اصل به معنی مساوات اجزاء مکان است. سپس به سه توصیف دیگر که بیانگر کل روایات انصار می باشد پرداخته، چنین میگوید: آنها چنان هستند که هر مسلمانی را به سوی آنها هجرت کند دوست دارند) "یحبون من هاجر إلیهم". (و در این زمینه تفاوتی میان مسلمانان از نظر آنها نیست، بلکه مهم نزد آنان مسأله ایمان و هجرت است و این دوست داشتن یک ویژگی مستمر آنها محسوب میشود. دیگر اینکه آنها در درون سینه های خود نیازی نسبت به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمیکنند "و لایجدون فی صدورهم حاجهً مما أوتوا". (نه)

چشم داشتی به غنائمی که به آنها داده شده است
دارند و نه نسبت به آنها حسد می ورزند و نه حتی
در درون دل احساس نیاز به آنچه به آنها اعطا
شده میکنند، و اصلاً این امور به خیال آنها نمی
گذرد، و این نهایت بلندنظری و بزرگواری انصار
را نشان میدهد.

و در مرحله سوم می افزاید: "آنها مهاجران را بر
خود مقدم میدارند هر چند شدیداً فقیر باشند) "و
يؤثرون على أنفسهم و لو كان بهم خصاصة". (و به
این ترتیب "محبت" و "بلندنظری" و "ایثار"
سه ویژگی پر افتخار آنها است. در پایان آیه برای
تاکید بیشتر روی این اوصاف کریمه و بیان نتیجه
آن می افزاید: "و کسانی که خداوند آنها را از
بخل و حرص نفس خویش باز - داشته،

رستگاراند) "و من يوق شح نفسه فأولئك هم
المفلحون". (بحث ایثار و ایجاد همدلی در احادیث

نیز به آن اشاره شده است از جمله: در خبر است که حضرت امیرالمؤمنین (علی) (ع) روزی جماعتی را دید، فرمود: کیستید شما؟ گفتند: ما جماعتی هستیم که به توکل زندگانی میکنیم. فرمود: توکل شما به کجا رسیده است؟ گفتند: چون بیاییم، بخوریم، و چون نیاییم، صبر کنیم. فرمود: سگان نیز چنین کنند. گفتند: پس چگونه باید کرد، یا امیرالمؤمنین؟ فرمود: چنان که ما کنیم. چون نیاییم، شکر کنیم و چون بیاییم، ایثار کنیم.

امام صادق (ع) فرمود: «ما صافح رسول الله (ص)) رجلا قط فنزع يده حتى يكون هو الذی نزع يده منه؛ پیامبر خدا با هر کسی دست میداد دستش را نمی کشید تا طرف مقابل دستش را بکشد و از او جدا نماید)». محنة

البیضاء، (388/3). امام صادق (ع) در مورد برخورد با مردم فرمود: «قال عیسی بن مریم لبعض

اصحابه: ما لا تحب ان يفعل بك فلا تفعله
باحد؛ حضرت عیسی بن مریم (ع) به بعضی از
یاران خود فرمود: آنچه را که دوست نداری
نسبت به تو انجام شود تو نیز نسبت به هیچ کس
انجام مده)! «بحار الانوار، ج 74، ص 157). امام
علی (ع) درباره برخورد اسلامی فرمود: «اذا لقيتم
اخوانكم فتصافحوا و اظهروا لهم البشاشه و البشر
تتفرقوا و ما عليكم من الاوزار قد ذهب؛ وقتی
برادرانتان را دیدار کردید پس مصافحه کنید و به
همدیگر دست بدهید و با روی خندان با آنان
ملاقات کنید که وقتی از هم جدا شوید همه
گناهان شما آمرزیده است) «خصال صدوق، ص
633). رسول خدا (ص) در مورد مدارا با مردم
فرمود: «اعقل الناس اشد هم مداراة للناس، و اذل
الناس من اهان الناس؛ داناترین مردم کسی است
که با مردم بیشتر مدارا کند و خوارترین مردم

کسی است که به مردم اهانت کند) «بحار الانوار،
52./75).

امیرالمؤمنین (ع) درباره محبت به مردم از رسول
خدا (ص) نقل میکند که فرمود: «رأس العقل بعد
الایمان بالله عزوجل التحبب الى الناس؛ سر آغاز
عقل و خردمندی بعد از ایمان به خدا اظهار محبت
به مردم و دوستی با آنان است. امام علی (ع) در
مورد روش برخورد با مسلمان فرمود: «ان الله
يحب المرء المسلم الذي يحب لاخيه ما يحب
لنفسه و يكره له ما يكره لنفسه؛ خداوند دوست
دارد آن مسلمانی را که آنچه را برای خود
میخواهد برای برادر دینی اش هم بخواهد و آنچه
را برای خویشتن نمیخواهد برای او هم
نخواهد (محاسن برقی، ج 1، ص 10). امام صادق
(ع) درمورد ارزش دیدار برادران فرمود: «من زار
اخاه فی الله، قال الله عزوجل: ایای زرت و ثوابک

علی و لست ارضی لک ثوابا دون الجنة؛ هر کس
برای خدا از برادرش دیدار کند، خداوند عزوجل
میفرماید مرا دیدار کرده ای و ثواب تو بر منست
و به ثوابی جز بهشت برای تو راضی نمیشوم »
(اصول کافی، 3/ 255).

در روابط اجتماعی، کسانی بر دلها حکومت میکنند
که دلشان را خانه مهر و محبت مردم کرده باشند.
برعکس، آنان که «خود» را بیش از همه می
پسندند و «خود» را بیش از دیگران دوست دارند
و آسایش و راحتی خود را بر دیگران ترجیح
میدهند، نه نزد خدا و رسول اعتباری دارند، نه در
دل و جان مردم، جایی و موقعیتی. !گوهر
«خدمتگزاری به مردم»، تنها در دلهای وارسته از
منیت و خودخواهی یافت میشود. خدای مهربان،
بندگانش را دوست دارد. کسانی را هم که به
بندگان خدا خدمت و مهربانی کنند، دوست

میدارد و این مقتضای محبت و علاقه است.
تا توانی به جهان، خدمت محتاجان کن *** به
دمی یا درمی، یا قلمی یا قدمی
اگر مسائل و مشکلات مسلمانان بر ایمان اهمیتی
نداشته باشد که اصلاً مسلمان نیستیم! چون که
مسلمانی تنها به اسم و شناسنامه و نماز نیست.
بخش عظیمی از محتوای اسلام را نودوستی،
ایثار، خدمت به دیگران، کمک به درماندگان،
کارگشایی برای مشکلات مردم و قضای حاجت
گرفتاران تشکیل میدهد. در حدیث نبوی آمده
که فرمود: «من أصبح لا يهتم بأمور المسلمين
فليس من الإسلام في شيء، و من شهد رجلاً ينادي
يا للمسلمين! فلم يجبه فليس من المسلمين؛ کسی
که در حالی صبح کند که به امر مسلمانان بیفکر و
اهتمام باشد، بهره‌ای از اسلام نبرده است و هر
کس شاهد فریادخواهی و کمک طلبیدن مردی

باشد که مسلمانان را به یاری می طلبد، اما پاسخی
به او ندهد، از مسلمانان نیست!» پس باید بخشی
از دل، محبت، فکر، زندگی، تلاش، اهتمام، عشق
ورزیدن و دلسوزی کردن ما نسبت به دیگران
باشد که بندگان خدایند و آفریدگار، از این راه،
بندگان دیگرش را می آزماید. نتیجه این مردم
دوستی و همیاری نیز، محبوبیت و سیادت است.
هر که برای مردم کار کند، مردم نیز او را دوست
خواهند داشت. هر که خدمتگزار جامعه باشد، از
حق شناسی مردم بهره مند میشود و هر که به
مردم نیکی کند، در دلها جای میگیرد. در حدیث
میخوانیم که: «سید القوم خادمهم؛ سرور هر
گروهی، خدمتگزار آنان است.»

کارگشایی

از توفیقات مهم یک انسان، آن است که گشایش
معضلات مردم به دست او باشد. نعمتی است که

هزاران شکر و سپاس می طلبد. کار گشایی، از
مقدسترین خدماتی است که مورد قبول و امضای
آیین خدا و شرع محمد (ص) است. با عنوان
«قضاء حاجت مؤمن»، انبوهی عظیم از روایات نقل
شده که اهمیت و فضیلت و قداست کار راه اندازی
و رفع نیاز مردم و برطرف کردن مشکلات آنان
و... خلاصه در خدمت مردم و جامعه بودن را بیان
میکند. این کار را باید به حساب خدا گذاشت و
چشم تشکر و اجر هم از او داشت، نه از مردم.
تو نیکی میکنی و در دجله انداز *** که ایزد در
بیابانت دهد باز

«قصد قربت»، مایه ثمربخشی و ثواب الهی و
ارزشمندی نیکوکاریهاست، و ریا آفت آن به شما
می رود. آنان که خالصانه و بیتوقع و چشمداشت،
گره از کار بسته مردم می گشایند، بندگان خاص
خدا و مأموران ویژه الهی اند. توفیق و امداد الهی

را همراه دارند، فیض دنیوی و اجر اخروی نیز،
دست‌آورد این خدمت است. در حدیثی زیبا
از حضرت رضا (ع) آمده: «ان الله عبادة في الأرض
يسعون في حوائج الناس، هم الآمنون يوم القيامة؛
خداوند را در روی زمین، بندگان است که
کارشان تلاش برای رفع نیاز و حاجت مردم
است». آنان روز قیامت، ایمن و آسوده اند. نبی
مکرم اسلام (ص) (هم فرموده است: «خير الناس
من انتفع به الناس؛ بهترین مردم کسی است که
مردم از او سود و بهره ببرند.»

درسی از امام سجاد (ع)

شاید از درخشان‌ترین فصل‌های زندگانی هر یک
از پیشوایان دین، رسیدگی به محرومان و زدودن
نیاز نیازمندان بوده است، درسی که از پیامبر خدا
آموخته و رهنمودی که از دین به ارث برده اند.
راستی، ملاک در «خیر» بودن آدمی به چیست؟ هر

چه بیشتر سودرسانی به خلاق و گره گشایی از کار مردم، به قدر توان. روایت است که امام زین العابدین (ع) از راهی که میگذشت، هر گاه در میان جاده به کلوخی برمیخورد، از مرکب خویش پیاده میشد و آن را با دست خود از وسط راه برمیداشت، آنگاه سوار شده، به راه خود ادامه میداد (لقد كان علي بن الحسين يمر على المدرة في وسط الطريق فينزل عن دابته حتى ينحيتها بيده عن الطريق). زدودن موانع راه، پرکردن چاله های خیابانها، رفع سد معبرها و دهها کار خدماتی دیگر، کارهای شایسته ای است که زیننده رفتار اجتماعی یک مسلمان است.

خرج مال و آبرو

سرمایه و دارایی، تنها پول و اندوخته مالی نیست، گاهی نفوذ و اعتبار، بیش از ثروت و پول می ارزد. کمک به دیگران هم تنها خرج پول و مصرف مال

نیست. کسی هم که تهیدست، اما آبرومند است،
میتواند از وجهه و آبرویش سرمایه بگذارد و آن
را در راه دیگران به کار اندازد. اگر خودتان هم
کاره‌ای نیستید، ولی میتوانید نیازی را به
کارگشایان منتقل کنید، خود این کار هم عبادت
است و خدمت. نقش راهنما و واسطه داشتن برای
حل مشکلات، مشارکت در پاداش آن خدمت
است. اگر خودتان «مقصد» نیستید، میتوانید فلش
و راهنما به سوی مقصد باشید. نگذارید وجودتان
«بن بست» باشد، یا سراب، که دیگران به فریب یا
امید، نزد شما آیند، یا وقتی به شما برسند، به
وجود عایقی برخورد کنند. وجودتان را
«هادی» کنید، به سوی خدمتها و خدمتگزاران.
در حدیثی از پیشوای ششم حضرت صادق (ع)
چنین آمده است: «به خدا و محمد و علی ایمان
نیاورده است کسی که هر گاه برادر دینی اش

برای رفع نیازی به او مراجعه میکند، با چهره ای
خندان با او برخورد نکند. اگر رفع حاجتش به
دست او است، باید به انجام آن بشتابد و اگر کار
از دست او بیرون است، سراغ دیگری رود و از
طریق دیگران، مشکل او را حل کند». اما متن این
حدیث شریف: «ما آمن بالله و لا بعلى من اذا اتاه
اخوه المؤمن فى حاجة لم يضحك فى وجهه، فان
كانت حاجته عنده سارع الى قضاءها و ان لم يكن
عنده تكلف من عند غيره حتى يقضيها له». می
بینید که این کوشش برای رفع مشکل برادر
ایمانی، هم شرط اسلام است و هم ولایت! ایمان
به خدا و رسول و ولایت، با این روحیه و خصلت
شناخته میشود. برخی «دلال» و «کارچاق
کن» «فساد و گناه و نیرنگ و حقه بازی اند. آنان
فرزندان شیطان و شاگردان ابلیس به حساب می
آیند. بعضی هم «واسطه خیر» و «شفیع

حسنت»اند. دلالتی و کارچاق کنی در امور خیر و کارهای صالح و خدایسند، از بزرگترین توفیقات الهی است که شامل بندگان ویژه اش میشود. اگر نیازمندی برای کاری سراغ ما آمد، فوری رد نکنیم، اگر از خودمان کاری ساخته نیست، به کسی، جایی، مؤسسه ای، اداره ای و... معرفی و راهنمایی کنیم که چاره کارش با آنجا است. صدقه، اما بی پول

با شنیدن کلمه «صدقه»، ذهنها فوری سراغ کمک مالی به تهیدستان یا انداختن سکه و اسکناسی در صندوق صدقات و امثال آن میروند. ولی این، تنها شکل‌های عملی صدقه نیست. میتوان اهل صدقه بود، بی آنکه پول خرج کرد. البته کمکهای مالی، جای خاصی دارد که در هر حال و هر جا خوب است. اما مهم، توجه به وسعت دایره «نیکی» است. باز هم از گفتار پیشوایان الهام بگیریم. از

رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود: هر مسلمان هر روز باید صدقه ای بدهد (ان علی کل مسلم فی کل یوم صدقه). وقتی پیامبر چنین فرمود، برخی از اصحاب، با شگفتی پرسیدند: یا رسول الله! چه کسی طاقت و توان این کار را دارد؟ حضرت برای رفع ابهام و توضیح بیشتر و برای اینکه صدقه را تنها در انفاق مالی خلاصه نکنند، فرمود: «برطرف کردن عوامل اذیت از راه مردم، صدقه است، راهنمایی کردن جاهل به «راه»، صدقه است، عیادت کردن بیمار، صدقه است، امر به معروف کردن تو، صدقه است، نهی از منکر کردن صدقه است. و... پاسخ سلام دادن نیز صدقه است!» کلام رسول، چنین بود: «اماطک الأذی عن الطريق صدقه، و ارشادک الجاهل الی الطريق صدقه، و عیادتک المریض صدقه، و امرک بالمعروف و نهیک عن المنکر صدقه و ردک السلام صدقه.»

برادری در سایه ایثار معنی می یابد. ایثارگر، کسی است که در عین نیاز، دیگری را بر خود مقدم می دارد و در عین خستگی، کارهای دشوار را بر عهده می گیرد و فداکارانه به خاطر خدا، به نفع مردم از «حق شخصی» خویش میگذرد. ایثارگری، وارستگی از وابستگیهاست. در رابطه های مالی با دیگران نیز چنین است. کسی که شادی خود را به قیمت اندوه دیگران بدست می آورد، مسلمان نیست و آنکه «راحت» خود را با «رنج» دیگران می طلبد، انسان نیست. اگر در جمع مؤمنان، روحیه ایثارگری برادرانه باشد، تا آنجا که جیبها و منافع یکی باشد، نه تنها اصطکاک منافع پیش نمی آید و نه تنها کلاه گذاری بر سر دیگران در اندیشه ها نمیگذرد، بلکه روحیه سختی پذیری برای رفاه دیگران رواج می یابد، کاری که «خداپسندانه» است. ایثارگر، چون

«رضای خدا» را به دست می آورد، از عمق جان
خشنود میشود. اوج صفا و گذشت، در آن است
که برادری را به مرز یگانگی برسانند؛ وحدت در
خواسته، وحدت در محبت، وحدت در منفعت.
امام سجاد (ع) به مردی فرمود: آیا به این مرحله
رسیده اید که یکی از شما دست در جیب دیگری
کند و آنچه را نیاز دارد بردارد، بی آنکه اجازه
بگیرد؟ گفت: نه. فرمود: پس هنوز «برادر»
نیستید! (هل یدخل احدکم یده فی کم اخیه و
کیسه فیأخذ ما یرید من غیر اذن؟ قال: لا. قال:
فلستم باخوان). روحیه های سرشار از «ایثار»،
«خدمتگزاری»، «کارگشایی»، مایه گذاشتن از «مال»
و «آبرو»، ارزشی فوق تصور دارد و اگر بر زندگیها
و معاشرتها سایه گستر شود، بهشت را در همین
دنیا هم می توان دید.

منابع

محمود شریفی - چهل حدیث معاشرت - صفحه 8

جواد محدثی - مقاله کارگشایی، مجله پیام زن -

شماره 66

محمد باقر مجلسی - بحار الانوار - ج 72 صفحه 21،

23، 50، 177

اربعین نماد همدلی میلیونها مسلمان از سراسر
دنیا بود.

هر سال دهها میلیون نفر در جهان به زیارت و
پیاده‌روی اربعین مشرف می‌شوند، بدون اینکه
سازماندهی از طرف نهادهای دولتی صورت گیرد
و بخواهند برنامه‌ریزی خاصی داشته باشند.

مردم متدین عراق یکسال را منتظر هستند تا
اربعین فرا برسد و به زائران امام حسین(ع)
خدمت کنند و باید از آن‌ها پرسیم که چه اتفاقی
افتاده که این چنین عاشقانه یکسال را با همه
سختی‌ها تحمل کرده و اندوخته‌هایشان را ذخیره
می‌کنند و در اختیار زائران امام حسین(ع) قرار
می‌دهند.

زائری ایرانی می گفت یک عراقی امد بالای سر
من که نشسته بود ایستاد و گفت من پولی ندارم
برای زوار خرج کنم اما امده ام با سایه ام به شما
خدمت کنم!

این همایش همدلی توطئه های تفرقه افکنانه
استکبار را خنثی می کند و این همدلی مورد تایید
اسلام است.